

## راه‌های جلوگیری از تخریب طبیعت بر اساس دیدگاه قدسی

### این سینا و غزالی

عین‌الله خادمی\* و محمدکاظم نیک‌مرام\*\*

#### چکیده

تخریب طبیعت از مشکلات بشر معاصر است، پشتوانه نظریه تخریب طبیعت، نگاه مادی به این جهان است. که در قالب دیدگاه انسی و با مکانیستی جلوه می‌کند در این دیدگاه، طبیعت مخلوق نیست در نتیجه یا صاحب‌نظر یا انسان صاحب آن است، در هر دو صورت، هر گونه دخل و تصرف به هر میزان، جایز و نیاز به اجازه هیچ کسی ندارد. لوازم زندگی اجتماعی نیز به دلیل نهادن بشوئولوه منطقی و اجرایی نمی‌تواند این تصرف را محدود می‌کند؛ زیرا اگر آخرت انسان همین دنیا باشد و اگر قدرت من بیشتر از دیگران باشد، من به چه دلیل منطقی و یا با چه پشتوانه اجرایی باید حقوق دیگران را رعایت کنم، راه جلوگیری از تخریب، اعتقاد به پیش‌الهی در باب طبیعت است. از جمله معتقدان به این نگرش، ابن سینا و غزالی هستند، در این نگرش، ضیعت مخلوق حضرت حق است و هر گونه دخل و تصرف در آن بدون اذن او قاصدانه و مستوجب خوارگی و نالت در دنیا و عذاب جهنم در آخرت است.

اینکه اینکه ملاک مخلوقیت حدوث زمانی باشد یا امکان ذاتی در اینجا تفاوتی در اصل بحث ندارد.

**کلید واژه‌ها:** ضیعت، مادی، الهی، مک‌نیسم، انیسیم، دیدگاه قدسی، محیط زیست.

\* دانشیار گروه فلسفه دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

\*\* کارشناس تربیت و تک‌موسسه و مکتب اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. [filenavar@pari.ac.ir](mailto:filenavar@pari.ac.ir)

بلندان مستلیم به آن واگذاریم؟ و اگر نه، آیا با یک دیدگاه فلسفی می‌توانیم دنیا را در جهت سعادت خود به کار بگیریم؟ اگر این کار شدنی است، آن دیدگاه فلسفی چیست و چگونه بر اساس چنین دیدگاهی می‌توان چنین ایده‌ای را متحقق کرد؟

### پژوهشی مسأله پژوهشی

در ابتدا تبیین شده است دیدگاه‌های مختلفی که پیرامون مخلوق بودن یا مخلوق نبودن طبیعت، و همچنین نقشی که هر یک از این دیدگاه‌ها در تخریب و یا در جلوگیری از تخریب طبیعت دارند، مورد بررسی قرار گیرد.

۱- دیدگاه‌های مختلف پیرامون مخلوق بودن یا مخلوق نبودن طبیعت  
این مسئله قبل از هر چیز مربوط به آفرینش جهان است. در این باب، چهار دیدگاه وجود دارد:

- ۱- قدیم بودن ذرات جهان و پدیدایش خود به خود پدیده‌ها
- ۲- قدیم بودن ذرات با ماده نخستین جهان (هیولان) و آفرینش‌گر بودن خدا. به معنی نخستین پدیده‌ها و صورت نخستین به آنها.
- ۳- تجلی و ظهور چیزی در صورت چیزهای دیگر.
- ۴- پدید آمدن جهان از نیستی به هستی، به وسیله خدایی که تنها موجود قدیم و ازلی است. (تاریخ تحلیلی - انتقادی فلسفه اسلامی، ص ۵۷۱ - ۵۷۴)

۱-۱- تبیین مختصر دیدگاه‌های چهارگانه مربوط به آفرینش:  
ابتدا به توضیح تظریه «اتمی» پرداخته می‌شود.

۱-۱-۱- قدیم بودن ذرات و پیدایش تصادفی پدیده‌ها:  
این نظریه در تاریخ فلسفه بنام دموکریتوس و لوکیپوس معروف است. توجیه این دیدگاه بر این پایه و اساس است که ماده می‌تواند خود کفا باشد. ماده از آغاز بوده، حرکت نیز داشته است، و همین دو عامل یعنی ماده و حرکت کافی‌اند تا حوادث جهان را پدید

### طرح مسأله

بعد از تجدید حیات علمی در غرب، بحث در پیرامون طبیعت و علوم مربوط به آن اهمیت خاصی یافته است. بنظر می‌رسد یکی از عوامل مهم آن، خضوعت‌های زیاد کلیسا علیه صاحب این علوم بود که تصور می‌کردند با این شیوه می‌توانند اندیشه‌مندان مخالف خود را از صحنه خارج و بعد از آن حاکمیت بی‌چون و چرایی خود را اعمال کنند. اما حوادث بعدی نه تنها خلاف آرزوایات کرد، بلکه به تدریج، به حذف آرای کلیسا از صحنه سیاسی و علمی و قدرت یافتن مخالفان آنها منجر شد.

از نتایج قدرت یافتن مخالفان، تضعیف دین و علم کلام کیسیتی و همچنین تضعیف فلسفه بطور کلی بود. با تضعیف دین و فلسفه، کم‌کم ارتباط علوم طبیعی، با دین و فلسفه، و ارتباط طبیعت با عزواره الفلبیعه و ارتباط زمین با آسمان قطع شد.

از آفات این قطع رابطه، این بود که بشر احساس کرد ضمیمت خود ضمیمت است در نتیجه انسان به جای اینکه خود را جانشین خدا در روی زمین بداند، خود را خدا و صاحب طبیعت، و مجاز به هر گونه دخل و تصرف در آن دانست.

از آثار این نحوه دخل و تصرف، شکل‌گیری قدرت‌های استعماری و استکباری همچون قدرت‌های استعماری و استکباری انگلیس و آمریکا بود.

این قدرت‌ها برای سلطه بر جهان، بی‌حد و حصر از منابع طبیعی برداشت می‌کردند و برای حفظ این سلطه، ناچار بودند در ابتدا با ساختن سلاحهای مخرب، هر اعتراضی را سرکوب کنند. اما بعدها وقتی با مقاومت شدید ملت‌ها مواجه شدند، کم‌کم شیوه استعمار را تغییر دادند، از طریق تحریک غزاقر چینی و شیوع مواد مخدر و... به تبه‌تبه کشورها را مورد بهره‌نسل قرار دادند. آنها با بهره جویی از مواد همین طبیعت، برنامه‌های را به مرحله اجرا درمی‌آوردند.

حل ب توجه به این مطالب، چند پرسش قابل طرح است اینکه چگونه و بر اساس چه مبنایی این گونه دخل و تصرفات مخرب و تبه‌کننده صورت گرفت و بر اساس چه مبنایی می‌توان جلوی این نحوه دخل و تصرفات را گرفت؟ آیا دنیا ذاتاً باطل است و آن را برای



بدین جهت اگر از فلاسفه سؤال شود، در صورت اینکه موجودات همبسته وجود داشته باشند پس چه نیازی به خداوند در زنده‌پاشی آنها این است که قدم دوم با معلولیت قابل جمع است و قدیم ذاتی که اختصاص به خداوند دارد با معلولیت قابل جمع نیست؛ بدین جهت قدم خداوند بر موجودات، تقدم ذاتی است نه زمانی. ابن سینا معتقد به نظریه فلاسفه اسلامی است. (الاعتقادات و التنبیها، ص ۱۰۳-۱۱۱، الشفاء، الإلهیات، ص ۲۸، ۲۹، ۲۷۲، ۲۷۷)

۱-۱-۴-۳- تبیین دیدگاه‌های قدسی در باب طبیعت؛  
ابتدا حتماً از مواقع ابن سینا و غزالی، به طور کلی به تبیین این تکرشها پرداخته می‌شود.

۱-۱-۴-۱- اهمیت طبیعت برای فقها، متکلمین و فیلسوفان؛  
برای فقهاء و متکلمین [طبیعت] زمینه عمل انسانی است. برای فیلسوف و دانشمند قلمروئی است که باید تحلیل و فهمیده شود. در سطح متفیزیکی و عرفانی نیز طبیعت موضوع تأمل و تأیید نظری بخش واقعیات متوزاری حس است. (نصر: انسان و طبیعت ص ۱۲۳)  
از نظر فیلسوف، «جهان یک علت نخستین دارد که می‌تواند به مثابه مانع جهان تلقی شود. وقتی کسی به مادر مسترسی پیدا کند می‌تواند بچه را هم پشتبند. با شناختن بچه و نگاه داشتن ملوره وی تا پایان روزگار خویش دچار هیچ آسیب و زحانی نخواهد شد. آن علمی سالم و بی ضرر است که حین ترک واقعی تجلی و ظهور هرگز نگاه خویش را از «اصل» دور نگه ندارد.» (همان ص ۱۰۷)

۱-۱-۴-۲- معنای قدسی یا الهی پیرامون طبیعت:

دیدگاه قدسی، یعنی دیدگاه انسانی که هم به پدیده‌های معمولی طبیعت و هم به معجزات واقع در آن به عنوان عالم خلقت و به عنوان رموز و نشانه‌های الهی می‌نگرد؛ و در یک کلام به طبیعت به عنوان «آیت» و به تزیین به عنوان «آرایه‌بخشگاه» واقعی که درستی تطبیقات پیامبران را می‌رساند، نظر می‌افکند. (مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲، ص ۲۱۶)

۱-۱-۴-۱- نقش دیدگاه قدیم بودن هوأ در تخریب یا جلوگیری از تخریب طبیعت  
برای این دیدگاه نمی‌توان نقش در تخریب یا جلوگیری از تخریب طبیعت در نظر گرفت؛ زیرا نه طبیعت را کاملاً بی‌محابب می‌دانند و نه به طور کامل مالکیتش را به خداوند می‌سنجند.

۱-۱-۴-۲- تجلی و ظهور چیزی در صورت چیزهای دیگر؛  
این نظریه که مربوط به دیدگاه فلوپتین و بیروان او در جهان اسلام یعنی صوفیه و عرفاست، یک نظریه فلسفی نیست. خود عرفا معتقدند که باید این مطالب را با کشف و شهودی که در اثر ریاضت به دست می‌آید به آن رسید. (همان، ص ۵۷۳-۵۷۴)

۱-۱-۴-۳- نقش دیدگاه عرفانی در در تخریب یا جلوگیری از تخریب طبیعت؛  
این دیدگاه از دیدگاه‌های قدسی در باب طبیعت است که می‌تواند نقش بسزای مثبتی در جلوگیری از تخریب طبیعت داشته باشد. به نقش نگارش‌های قدسی در این باره، بعد از تبیین نظریه چهارم، به طور کلی اشاره خواهد شد.

۱-۱-۴-۴- پدید آمدن جهان از نیستی به هستی؛  
این نظریه دارای دو جنبه است، یکی دیدگاه متکلمان که جهان را حادث می‌دانند و دیگری فیلسوفان جهان اسلام که کسب جهان را قدیم می‌دانند.

۱-۱-۴-۱- دیدگاه کلاهی پیرامون پدید آمدن جهان از نیستی به هستی؛  
متکلمان که جهان را حادث می‌دانند از جنبه غزالی، معتقد به نظر به متکلمان اسلامی یعنی همان نظریه حدوث زمانی تمام مخلوقات است. (مجموعه رسائل الامام الغزالی، ص ۲۰۹، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱)

۱-۱-۴-۲- دیدگاه فلسفی پیرامون پدید آمدن جهان از نیستی به هستی؛  
از دیدگاه فلاسفه، هیچ زمانی در گذشته نبوده که موجودات چه مجرد ماهی، وجود داشته باشند؛ زیرا آنها ملاک نیازمندی معلول به علت را در امکان ذاتی معلول می‌دانند.

مذهب، در خود قرآن که لوگوس یا کلمه خداوند است یافت می‌شود. از این لحاظ هم سر مینا وحی است که پایه و مبانی دین است و هم وحی کیهانی کلایی که عالم وجود است. هم قرآن مضمون‌ناوردی است و هم قرآن طاقن (ذکریتی) که مشتق بر عقل با نمونه هستی اعتدالی همه موجودات است. بدین خاطر است که واژه‌ای که برای مشخص کردن پندهای قرآن به کار می‌رود واژه «آیه» است که همچنین به معنای وقایعی که در درون آرایح آسمان به وقوع می‌پیوندد و یا پدیده هستی جهان طبیعت است. (تفسیر انسان و طبیعت ص ۱۲۳ - ۱۲۴)

مطابق نظر اسلام، هدف از ظهور انسان در این جهان آن است که نسبت به موجودات عالم دانسی کلی کسب کند و به انسان کامل، یعنی ائینه تمام نمای اسماء و اوصاف الهی تبدیل شود. (همان ص ۱۲۴)

در واقع هدف و منظور از خلقت، برای خداوند آن است که خویش را از طریق ابزار کامل داند. خویش که همان انسان کامل است «همسازان» پیامبرین انسان از موقعیت ویژه‌ای برخوردار است. وی در محور و کانون فضای کیهانی قرار دارد و در همان حال آقا و نگهبان طبیعت است. وی که اساسی همه موجودات را تخلیص یافته بر تمامی آنها سلطه پیدا می‌کند؛ با بقدر این قدرت را فقط از این رو که خبیثه خداوند بر زمین و ابزار اراده الهی است به دست آورده است. انسان، قطع به دلیل ساختار شبیه گونه خویش به خداوند است که از حق سلطه و حکومت بر طبیعت برخوردار شده است. والا این هرگز به دلیل مطلقان علیه آسمان نیست.

در واقع بشر برای طبیعت محرری فسیض و رحمت است. بدین ترتیب که از طریق مشارکت فعال در جهان معنوی به داخل جهان طبیعت نور افشایی می‌کند. وی به مثابه دجانی است که طبیعت از آن طریق نفس می‌کشد و زندگی می‌کند. چه خاضع ارتسام صحنه بین انسان و طبیعت، حالت درونی انسان در نظم خنرجی باقی‌مانده است. (همان ص ۱۲۵)

در اسلام، به واسطه این متیوره خاصی از انسان و طبیعت، طبیعت هرگز به عنوان امر ثانوی ملحوظ نشده است و هرگز هم علوم طبیعت در مقام طبیعت بدون دانشم طبیعت خالق مورد مطالعه قرار نگرفته است. (همان ص ۱۲۶)

زیرا از انبهای خداشناسی این است که او خدای همه عالم است و با همه اشیاء نسبت متساوی دارد همه اشیاء بدون استثناء مطهر قدرت و عزم و حکمت و اراده و مسیت اویند و آیت و حکایت کمال و جمال و جلال او می‌باشند. هر قی میان پدیده‌های معلوم العله و مجهول العله در این جهت نیست جهان با همه نظامات و عمل و اسبابش یکجا قائم به ذات اوست... بالاخره دامنه موجودات، اعتبار از آنکه در زمان و مکان نامتناهی باشد یا متناهی، متأخر از ذات و هستی اوست و فیضی از فیض‌های او به شمار می‌رود. (همان ج ۱، ص ۲۸۴)

۱-۴-۳- چند نکته:

الف) بحران محیط زیست طبیعی جلوه تیرونی بحرانی در روان مردمان و زمانی است، که چون از «اسمان» به خاطر «...» ناآشناوند، اینک در آستانه خود زمین قرار گرفتند.

(تفسیر دین و نظام طبیعت ص ۱۴)

ب) انسان قدرت قنانت بعضی به هیچ چیز را ندارد، طبیعت قنانتش را از امر قدسی می‌گیرد، قدرت قنانت بخشی انسان به معنای بازشناسی و باز یابی قنانت در درون خود است. (همان ص ۲۳۹ - ۲۴۰)

ج) مذهب یا تقدس زمانی به معنای فهم سحر آمیز یا اسطوره‌ای، مخالف نیست؛ زیرا اگر ما طبیعت را تجوی واقعات مثالی در علم الهی بدانیم که آثارش در حوزه حس و تجربه حسی ظاهر شده است، می‌توانیم آن را بدون در غلطیدن به دامان اسطوره یا سحر، مظهر امری مقدس بدانیم. طبیعت فی نفسه جوهری مقدس نیست، بلکه مظهر نمادین آن است... تسمه طبیعت گواه بر آن وجود مقدس است. مذهب در صورتی مخالف تقدس زدایی است که به معنای زدودن تمام معانی معنوی از فهم طبیعت و محدود کردن طریقت کسب دانش به روش عمی باشد، چنانکه فلسفه و علم غیر مذهبی، مبلغ آن است. (تقیب العطاس سید محمد در آمدی بر جهان شناسی اسلامی ص ۶۸)

خداوند یک اسطوره، یک تصویر ذهنی، یا یک نماد نیست که با گذر زمان مدنام دگرگون شود؛ او عین واقعیت است. (همان ص ۶۹)

۱-۴-۴- رابطه بین انسان و طبیعت و همچنین بین علوم طبیعت و مذهب

در اسلام، اتصال جدایی‌ناپذیر بین انسان و طبیعت و همچنین بین علوم طبیعت و

رابطه انسان با طبیعت آنچنان نزدیک است که می توان گفت:

اجزای طبیعت، اجزای ما، حیات طبیعت، حیات ما و تخریب طبیعت، تخریب ما است. این همان درسی است که اولین در طی اصرار به صدها زبان و در سطح معدودی از زرفا، تعلیم داده اند. (نصر، دین و نظام طبیعت ص ۴۱)

۲- دیدگاه قدسی (الهی) این سینا در باب علوم طبیعی و طبیعت

ابتدا ارتط علوم طبیعی با حکمت الهی مطرح میشود .

۱- ارتباط علوم طبیعی با حکمت الهی از دیدگاه ابن سینا: سؤال درباره یک پدیده طبیعی در واقع به معنی استفسار است درباره علل آن پدیده مطابق با علل اربعه ارسطو، و در زمینه یک سلسله مفاهیم اسلامی که بر تمام شعب علوم طبیعی، حکم فروع است. ادله اصول طبیعیات را باید در حکمت الهی جست نه در خود طبیعیات، زیرا چنانکه شیخ گفته است نمی توان اصل و اساس یک علم را به وسیله همان علم به اثبات رسانید. (النجاه، ص ۱۹۰، ترجمه فن سماج طبعی، ص ۱۲- ۱۳)

۲- دیدگاه قدسی یا الهی ابن سینا پیرامون طبیعت: فهم دیدگاه قدسی ابن سینا پیرامون طبیعت، همان فهم ارتباط طبیعت با متوزاه الطبیعه است. بدین جهت به این ارتباط از دو جنبه فاعلی و غایی اشاره می شود.

۲-۱- ارتباط طبیعت با ماوراء الطبیعه از جنبه فاعلی:

ابن سینا در این باب نظریه قیض را پذیرفت و آن را امینی ترین آفرینش قرار می دهد و معتقد است، عقل اول که اولین فیض مبدأ است، با تعقل ذات برزی، عقل دوم، و با تعقل ذات خود به عنوان واجب بالغیر، نفس اول؛ و با تعقل خود به عنوان ممکن پائانات، فلک اول را ایجاد می کند. (النجاه، ص ۶۶) به همین نسبت، عقول بعدی، تا می رسد به عقل دهم (عقل فعال) که واجب الصور و مدیر عالم کون و فسد است. (الشفاه الالهیات)، ص ۴۰۲- ۴۰۹) ابن سینا در «الاشارات» ابتدا موجود کامل و فقیح را تعریف می کند و موجود کامل و بنیاد را موجودی می داند که از سه طریق به غیر خود وابستگی نداشته باشد: ۱) از جهت ذات ۲) از جهت صفات حقیقی ۳) از جهت کمالات نسبی مربوط به ذات. (الاشارات و استنبیها، ص ۱۱۲)

او در جای دیگر همین موجود کامل را ملک و پدیده حقیقی می داند و می گوید: می دانی ملک و شاه حقیقی کیست؟ ملک حق و شاه حقیقی آن توانگر و بی نیاز راستین است که هیچگونه نیازی در وجودش نیست و هیچ پدیده ای در هیچ جهتی از او بی نیاز نیست و ذات همه موجودات از آن اوست، زیرا او همه موجودات را آفریده و یا همه موجودات از چیزی که او آفریده است پدید آمده اند پس همه موجودات جهان از جمله ضیعت) متعلق به او هستند و در ملک او جای دارند، اما او به چیزی از آنها نیازمند نیست. (همان)

سپس او در جای دیگری مصداق این موجود کامل را معرفی می کند و می گوید: و هرگاه لفظ ملک را بر اوی خدایتند متعال (اطلاق) کنند، مقصود آن است که مستغنی و بی نیاز از هر چیزی است، زیرا استغنا در ۳ چیز معتبر است: اول - ذات مستغنی وابسته به دیگری نباشد دوم - صفاتی داشته باشد که از غیر، عاری و خالی باشد سوم - آن صفاتی که اضافه عارض آنها می شود، توقف به غیر نداشته باشد در این صورت فناء او ذاتی است و محتاج به غیر نیست و لکن غیر محتاج به اوست. (رسائل ابن سینا، ص ۲۵۳)

پس از دیدگاه ابن سینا، عالم سراسر فقر ذاتی است، سراسر متعلق به واجب الوجود است با توجه به این دیدگاه، علم واقعی به هر چیزی، علم به وجود و تعلق وجود او به خالق آن خواهد بود و گرنه آن علم، علم نیست بلکه جهل مطلق است.

۲-۲- ارتباط طبیعت با ماوراء الطبیعه از جنبه غایی:

از دیدگاه ابن سینا طبیعت مطابق با تدبیر و نظام الهی به وجود آمده و غایت و هدف آن، محقق شدن نظام احسن است او در این باره می گوید:

«عنایت» که اصطلاح مشتبان در علم الهی است، عبارت است از احاطه ازلی و ابدی علم الهی به کل هستی و به تفصیلی که سراسر هستی، با آن نظام تحقیق یافته که دارای بهترین نظام خواهد بود. (الاشارات و استنبیها، ص ۱۲۳)

۲-۳- ۱- تقسیم معنای «عنایت» از شهید مطهری:

شهید مطهری بر اساس نظر ابن سینا می گوید:

شیخ در «عنایت» سه مفهوم توأم با یکدیگر را می گنجاند. این سه مفهوم عبارتند از:

پندیده‌های طبیعی و موجودات جهانی، تمثیل و رمز حقیق عالم معنوی است و هر قدر در سلسله مراتب وجود از ترقه پایین، به آن عالم نزدیک تر می‌شود، در چنین تفسیری مسئله حرکت مرکزیت ندارد و به همین دلیل در آثار عرفانی شیخ، طبیعت جنبه رمزی و تمثیلی یافته و مسئله حرکت از اهمیت ساقط شده است. (نظر منتقدان اسلامی در پاره طبیعت، ص: ۳۸)

ج) اوزبانی سهم طبیعت سیر و سلوک انسان:

انسانی که دارای حیات معنوی و ساک طریق الهی است، طبیعت در این سیر و سلوک دو سهم درزه یکی، منفی و تاریک و دیگری مثبت و نورانی.

هر لحظه که جهان ساک محور گردد و از وضع یک «بشر عادی» و فراموش کار بیرون آید به صورت ساک طرفت در آید، جهان در تنز او به صورت زبانی جلوه می‌کند که باید از آن خود را رها سازد، لکن با نگاهس و سیر معنوی و با رهانی واقعی از عالم ماده، جنبه ظلمت مبطل به نور می‌شود و آنچه تاکنون حجابی بود که عواله بالاتر را از نظر انسان مستور می‌ساخت، تبدیل به رمز و تمثیل حقایق ملکوتی می‌شود و انسان را در سیر معنوی خود پیری می‌کند. بدین جهت، جهان‌بینی در سیر نگاهش اهمیت می‌یابد چون بوسیله آن او می‌تواند وضع خود را در عالم درک کند و جهت خود را بیابد تا بدون خطر از منازل و مراحل جهان بگذرد. (نظر منتقدان اسلامی درباره طبیعت، ص: ۴۹)

۲ - ۳ - ۱ - دلایل وجود یک دیدگاه عرفانی در آثار ابن سینا در باب طبیعت:

ابن سینا در موارد متعددی این دیدگاه را بیان کرده که برخی از این موارد ذکر می‌شود: الف) ماسنون بعد از یک ارزشیابی کلی از افکار شیخ متذکر می‌شود که او عشق را که اصطلاح خاصی می‌فیند است به جای کلمه متناون محبت در نوشته‌های خود بکار برده و از تمخيلات عددی حروف الفبا در رساله النیروزیه استفاده کرده است و به این نتیجه می‌رسد که ابن سینا دارای یک نبوغ استغرائه و یک حکمت عمیق شرقی بود که تاکنون به اندازه کافی مورد توجه قرار نگرفته است. (نظر منتقدان اسلامی درباره طبیعت، ص: ۲۸۵)

ب) از دیدگاه ابن سینا هر حرکتی چه عرضی و چه طبیعی و چه فیزی، از قوای سرچشمه می‌گیرد که در حرکت وجود دارد. وجود این قوه پس از یک سلسله عمل و ممولات، به وجود محرک لا یتحرک که افلاک را به حرکت در آورده بر می‌گردد. (تعمیر الحکمه، ص: ۲۹)

الف) علم به نظام خیر.

ب) علم بودن ذات واجب‌الوجود لذاته از برای همه موجودات.

ج) رضی حق تعالی به نظام خیر. (مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ۳: ۳۹ - ۴۰، ص: ۴)

۲ - ۲ - ۲ - علل زشتی‌ها از نظر ابن سینا:

با توجه به مطالب فوق، عالم سراسر زیاست زیرا مطابق با علم الهی نیکو ترین نظام پدیده آمده پس علت زشتی‌ها طبیعت نیست، بلکه عاده و عدم موفقیت فعل طبیعت بر روی ماده است. تا آن حد که طبیعت بر روی ماده اثر گذارد، ماده را به سوی علت و هدف تکامل سوق می‌دهد، لکن چون قوه و ماده بیش از آن است که طبیعت بتواند بر روی همه آن اثر کند، نفس و زشتی در این عالم دیده می‌شود. مرگ و فنا که در همه جای طبیعت دیده می‌شود، به نظر انسان یک نوع بدی و شر است؛ اما در نظام کل عالم لازم است. مثلاً مرگ انسان باعث آزادی نفس اریست تا پ این آزادی، بتواند به کمال برسد. (الشفاه للطبیعیات)، ج (السماع الطبیعی، ص: ۴۰)

۲ - ۲ - ۳ - دیدگاه عرفانی ابن سینا درباره طبیعت:

در اینجا لازم است در تبیین این دیدگاه به چند مسئله اشاره شود.

الف) وجود دیدگاه عرفانی در موارد طبیعت:

هر چند به نظر می‌رسد که آیهای دیدن طبیعت، نعم از دیدگاه فلسفی و دیدگاه عرفانی باشد؛ زیرا معلول هم در وجود و هم در صفاتش، سر تا پا رمز و تمثیل وجود و صفات خدای تعالی است، اما برخی منتقدان، تبیین ارتباط طبیعت با عوالم الطبیعه را بر اساس نظام فاعلی و غایی، یک دیدگاه فلسفی و تبیین آن ارتباط را بر اساس نظام عاشق و معشوقی دیدگاه عرفانی دانسته و آن را از دیدگاه فلسفی متمیز شمرده‌اند. بدین جهت به این دیدگاه نیز اشاره‌ای می‌شود.

ب) تبیین کلی دیدگاه عرفانی درباره طبیعت:

در دیدگاه عرفانی درباره طبیعت امتیازی بین «رزه» و «بهره» وجود ندارد. تمام

قیضه او بهیرون نمی‌شود. (احیاء علوم الدین، ج ۱، ص: ۱۵۵) او در احیاء علوم الدین، پرده از برخی از رموز بر می‌دارد. او در مورد حکایاتگری برخی از اعضاء می‌گوید: کسب اجبار اشرف فرموده است و گفته که بر عایشه - رضی الله عنها - نذر رفته و گفته که آدمی را چشم‌ها را همسای است، و گوش‌ها رساننده اخبار، و زبان ترجمان، و دست‌ها بر و سال، و پاهای بیگ، و حل پادشاه، چون پادشاه نیک باشد همه لشکر نیک شود، پس او فرمود که از پیشانی همچنین شنیدم. و علی - کرم الله وجهه - دل‌ها را تمیل فرموده است و گفته که حق تعالی را در زمین آوده‌لست، و آن دانه‌های برده‌مان است، (احیاء علوم الدین، ج ۱، ص: ۱۷)

۲ - ارتباط طبیعت با موزان طبیعت از جنبه غایی: از دیدگاه غزالی تمام پدیده‌ها تجلی حکمت الهی اند. او مقصد و غایت تمامی موجودات را دیدار حضرت حق می‌داند. او در احیاء علوم الدین می‌گوید که جهان آفرین، آسمان و زمین را بر مقتضی حق و حکمت بیافرید... و از این تنه، بزرگ خوشگوار فرستاد، و انواع حیوان و نبات را به آن نشو و نما داد و آرزوی و اوقات را تقدر فرمود، و قوای حیوانات به ایصال از انحلال صیغیت نمود، و مغز ملقب و غذای حلال را پختا آورد و بر طاعات و وصیحات اعمال بدان اعانت کرد. او در ادامه می‌گوید: بدان که مقومود از باب البیاض، لقای رب الارباب است در دار ثواب و رسیدن بدان مقصد شریف و مطلوب متیغ میسر نشود مگر به اجزاز علم و عمل، و موافقت علم و مداومت عمل تمسیت نپذیرد مگر به صحبت زن، و صحبت و سلامت صغی نماید مگر به قوت صغام و تناول آن به اندازه حاجت بر تکرار یام و از این روی بعضی از سف صالح گفته‌اند که تناول طعام از دین است. و رب العالمین که اصداق القائلین است بدین معنی تدبیه فرموده است و گفته: کُلُوا مِنْ الطَّيِّبَاتِ وَ اَقْمِلُوا صَالِحًا (احیاء علوم الدین، ج ۱، ص: ۶۲) او در الحکمه فی مخلوقات الله عز و جل، فهم حکمت در انواع مستعانت خدا را سبب رسوخ یقین می‌داند. (مجموعه رسائل الامام الغزالی، ص: ۷)

#### ۴ - مقایسه دیدگاه غزالی با ابن سینا درباره طبیعت

با تأمل در آثار و مکتوبات ابن سینا و غزالی، در می‌یابیم که در میان دیدگاه‌های این دو متفکر از جهتی، تشابه و از حیاتی اختلافاتی وجود دارد. ابتدا وجه تشابه ذکر می‌شود.

به علت شوق وصال با او است که همه افلاک دانگها در حرکتند، و نیز میل همه موجودات به سوی محرک اول است که همه موانع راه حرکت را از جلوی راه او بر می‌دارد. ابن سینا با ذکر سه نوع میل نفسانی، میل طبیعی و میل قسری نشان می‌دهد که در این میان را منحصر به عالم اجسام نتوانست، بلکه آن را تعمیم، و با معنی که براسر جهان را فرا گرفته یکی دانسته است. (رسائل ابن سینا، ص: ۳۷۵ - ۳۷۸)

(ج) روی هم رفته، از دیدگاه ابن سینا نسبت هر محرک به محرک چه در افلاک و چه در عالم تحت القمر، با مانند نسبت یک مشوق است به عاشق و به مانند نفس است به بدن در افلاک، هر دو یافت می‌شود زیرا افلاک هم به وسیله نفوس فکری به حرکت در می‌آید و هم به علت میل و شوق آنها نسبت به معشوق که همان خالق جهان است. (انجبات دانشنامه علائی، ص: ۱۶۵)

#### ۳ - دیدگاه غزالی در باب عالم طبیعت

از دیدگاه غزالی هم باطن پدیده‌های جهان خلقت، رموز و نشانه‌هایی از وجود و صفات ذات مقدس الهی هستند؛ زیرا او در وجه تسمیه «ایه» می‌گوید: آیت تسمیه را جز برای تشبیر باطن معانی آن نتوانند... کل آن چه بر ارباب نظر مشکل است و نظریات و معقولات که برده‌مان در آن محققند، در قرآن بر آن دلالت‌هاست و سویی آن رمزها که اهل فهم به دریافت آن مخصوص باشند. (احیاء علوم الدین، ج ۱، ص: ۵۲۵) ترجمه احیاء علوم الدین، ج ۱، ص: ۲۱۶

فهم دیدگاه قدسی غزالی نیز بی‌شک هم‌ان فهم ارتباط طبیعت با مسأله الطبیعه است. بدین جهت به این ارتباط از دو جنبه فاعلی و غایی اشاره می‌شود.

۱ - ارتباط طبیعت با مازوا الضعیفه از جنبه فاعلی: غزالی هم در این زمینه مانند ابن سینا همه چیز را مخلوق خداوند می‌داند.

او تحت عنوان «حیات و قدرت» خداوند می‌گوید: او خداوند ملک و ملکوت و عزت و جبروت است، سلطان و قهر و خلق و امر و اوست و آسمان‌ها به دست او در نور دیده است، و آفریدگان در قبضه او مقهورند، و او به خلق و اختراع مقدر، و به اجابت و ابتاع متوجه است، خلق و اعمال ایشان را آفریده و روزیها و اجل‌های ایشان را مقدر فرموده، مقدری از

ارزش دینی است. فهم این مطلب بسیار آسان است؛ زیرا کائنات مخلوق الهی است. جهان که ساخته و پرداخته دست خدایان مملو تقدس و سبیتایی است. (همان، ص ۴۵)

در یک پیش الهی، طبیعت، جهان خلقت است، کن عالم صافه درازی و چهی مقدس است، همه پدیدمهای آن معنادار است، زیرا آنها نمودهای درجه بالایی از واقعیت‌اند.

۵- ۱- جلوگیری از تخریب طبیعت بر اساس نظریه الهی و قدسی ابن سینا: همانطور که گفته شد، در یک دیدگاه از ابن سینا، رابطه تمام موجودات با حضرت حق، رابطه مشق و عاشقی است. پس انسان و طبیعت گزهر مشتری دارند. اگر انسان عاشق آفریده شده، طبیعت هم عاشق آفریده شده. عاشق اگر واقعا عاشق است، کاری که خلاف رضای معشوق باشد، انجام نمی دهد. قطعا تخریب طبیعت، خلاف رضای معشوق است. پس عاشق چنین نمی کند.

۵- ۲- جلوگیری از تخریب طبیعت بر اساس نظریه الهی و قدسی غزالی: از دیدگاه غزالی، تمام طبیعت، نعمت الهی است. براساس دیدگاه قرآنی غزالی، معاش دنیا نعمت است؛ زیرا خداوند فرموده: ﴿لَوْ جَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ لَللنَّاسِ لَلْاِرْكَانِ﴾ (المراف، ۱). هدف از اعطاء نعمت، معرفت حق تعالی است. غایت معرفت، عبودیت است. پس حذف استفاده از طبیعت، عبودیت است. لذا هر نوع استفاده‌ای، انسان عبودیت الهی را انجام نمی دهد. برخی از انواع بهره برداری ها، نه تنها در جهت عبودیت الهی نیست، بلکه در جهت خلاف آن است. بدین جهت وظیفه بشر این است که طرز استفاده درست از نعم الهی را آموزش ببیند. در این زمینه، دیکره نعمت دهنده را باید در نظر بگیرد. این دیدگاه را باید مشترکا از راه عقل و نقل بدست آورده و بکار ببندد. این همان شیوه شکر گذاری است. در این دیدگاه، دنیا مزوره آخرت است (احیاء علوم الدین، ج ۴، ص: ۱۶۸ - ۱۶۹، ج ۱، ص: ۱۲۰). در جماعت عبودالدین، ج ۴، ص: ۱۲۲، کتاب الایمنین، ص: ۲۱۰ - ۲۱۶) بنابراین از آنجا که مالک و صاحب تمام موجودات، از جمله موجودات عالم طبیعت، ذات مقدس الهی است، هرگونه دخل و تصرف در طبیعت حق مالک و صاحب آن است. بنابراین هرگونه دخل و تصرف انسان در طبیعت بدون اذن الهی، دخل و تصرف غاصبانه خواهد بود. درست است که خداوند انسان را خلقه خود در زمین قرار داده، اما چون خدا

۴- ۱- وجه تشابه: هر دو دیدگاه قدسی و الهی نسبت به طبیعت دارند و هر دو طبیعت را مخلوق و سر تا با فقر و نیاز نسبت به ذات مقدس الهی می دانند.

۴- ۲- اختلافات:

۱- ابن سینا جهان را قدیم زمانی دانسته و حدوث زمانی را قابل دفاع نمی داند. او قدیم زمانی و معلولیت جهان خلقت را قابل جمع دانسته و بین قدیم دانی که اختصاص به ذات احدیت دارد با قدیم زمانی تمایز قائل شده است (الاشکات و التنبیحات، نسط ۵) 'با غزالی از حدوث زمانی عالم دفاع می کند و در این زمینه می گویند، مردم بر دو گروهند؛ یکی اهل حق که جهان را حادث و نیازمند به آفریدگار می داند. گروه دیگر مهربون هستند که جهان را قدیم می دانند و بی نیاز از آفریدگار. اگر چه سخن گروه دوم باطل است، اما می فهمیم که چه می گویند اما فلاسفه می گفتند: تسلفا است، زیرا از علرفی جهان را قدیم می دانند و از طرف دیگر آن را نیازمند به آفریدگار می شمارند. (تهافت افلاسفه، ص: ۱۴۱)

لازم به ذکر است که داوری در این زمینه، از حدود این نوشتار خارج است. فقط نفس اعتقاد به وابستگی جهان طبیعت به ذات مقدس الهی مورد نظر است که مورد قیون هر دو متفکر مسلمان است.

۲- ابن سینا آفرینش را بر اساس قاعده الواحد یا همان نظریه صدور تفسیر می کند. در حالی که غزالی این نظریه را در برخی از آثار خود پذیرفته (مناج القس، ص: ۱۷۶، فیصل التفروق از مجموعه رسائل الامام الغزالی، ص: ۲۴۳ - ۲۴۲) اما در تهافت الفلاسفه به شدت با این نظریه به مخالفت برخاسته است. (تهافت الفلاسفه، مسئله سوم)

۵- جلوگیری از تخریب طبیعت بر اساس نظریه الهی و قدسی در باب طبیعت از نگاه مذهبی و با عنایت به نقش انسان به عنوان حافظ و نگهبان طبیعت، اعتقاد رایج فقهی در زمینه سطره بر طبیعت، غاصبانه است. (همان، ص: ۹ - ۱۰) برای یک انسان دیندار، عاریت هرگز فقط «طبیعی» نیست و بلکه همواره مملو از

- ۵- معنای دیدگاه قدسی در باب طبیعت، این است که طبیعت را سرنامس راز و رموز شناخت حضرت حق ببینیم.
- ۶- در دیدگاه الهی حضرت حق صاحب طبیعت است. بنابراین هرگونه دخل و تصرف به هر اندازه که باشد، منوط به اجازه اوست.
- ۷- طبیعت نعمت الهی است که از طرف خداوند به انسانها عطا می‌شود تا محبت و عشق به صاحب نعمت در کانون دل آنها کاشته شده و زمینه مناسبی برای معرفت نسبت به حضرت حق ایجاد شود.
- ۸- عقلاً شکر نعمت واجب است، شکر نعمت، یکر گیری نعمت است، تر مسیری که صاحب نعمت تعیین می‌کند.
- ۹- این سینا و غزالی هر دو راجع به طبیعت دیدگاهی قدسی دارند؛ اما در توجه نحوه نیازمندی طبیعت به حضرت حق اختلاف اساسی دارند.
- ۱۰- مشکلات دنیوی بشر ناشی از مفصل یا بیگانه داشتن دنیا با آخرت بوده و مآل در دعای رنجهای عظیم بشر امروز، عادی دیدن طبیعت در نظر و عمل است.
- ۱۱- با اصلاح و بازسازی اندیشه های متفکران مسلمان در باب طبیعت و علوم طبیعی، می‌توان به یک اندیشه نجات بخش عمیق برای بیرون کشیدن بشر امروز از پانزدهی که با پای خود در درون آن فرو رفته، بدست آورد و زمینه را برای ظهور آن عدالت گستر و آن ذخیره الهی، یعنی مهدی آل محمد (فراختم نمود) ایجاد نمود.

چنین کرده پس خدا هم باید دستورالعمل هر نوع استفاده و دخل و تصرف در طبیعت را به انسان بدهد. خداوند طبیعت را در اصل و اساس، آیینت معرفت خود قرار داده است؛ لذا انسان تنها جنبه معنوی نیست، بلکه انسان علاوه بر بعد معنوی دارای بعد مادی و دنیوی هم هست. ترکیبی از خاک و خداست. خداوند مقرر کرده که انسان از تزیق خاک باید به خدا برسد، او باید دنیا را مزرعه آخرت خود قرار دهد. بدین جهت، برای رسیدن به آخرت باید از مسیر دنیا عبور کند. این عبور بدون استفاده از مواهب خدائانی طبیعتی امکان پذیر نیست. بر این اساس با استفاده از نعمت‌های الهی، هم عاشق صاحب نعمت می‌شود و هم عارف نیست، به او.

اگر با این دیدگاه با طبیعت مواجه شویم، دیگر هیچ یک از مسائل و مشکلاتی که در باب طبیعت داریم پیش نخواهد آمد. مسئله سلاحهای گمنام جمعی، تخریب لایه اوزون، آلودگی محیط زیست و بنیال آن بیخیزی‌های جسمی و روحی، که پیش به آن دچار گردیده، هیچکدام موضوعیت پیدا نخواهد کرد؛ زیرا خداوند تنها استفاده‌ای را از طبیعت مجز می‌داند که شر کبیری بدینان نمانده باشد، بلکه مطابق با الگوی آفرینش خود او، یا باید خیر مطلق باشد یا خیر کبیری که مساوی و نه خیر قلیل همراه با شر کبیر یا شر مطلق، این فرضیه به وجود آمده در دنیای امروز را اگر شر مطلق ندانیم، اما قطعاً می‌توانیم آنها را شر کبیر در مقابل خیر قلیل بدانیم.

#### نتایج تحقیق

- ۱- تخریب طبیعت مبتنی بر یک دیدگاه مادی است که با طبیعت را بدون صاحب و یا انسان را صاحب آن می‌داند.
- ۲- با دیدگاهی که خود عامل تخریب است نمی‌توان جنوی تخریب را گرفت.
- ۳- این دیدگاه الهی که دنیا راه دنیاواران و گذاریم و بگذاریم آنها به جهنم برودند، همانند دیدگاه مادی می‌تواند از عوامل تخریب طبیعت باشد؛ زیرا با این نگرش به دنیاخواهان اجازه تخریب داده می‌شود.
- ۴- حرص و طمع طبیعی انسان را می‌توان با این اعتقاد که دنیا موقت و ناپایدار است و تنها ایمن و عمل صالح است که می‌تواند انسان را نجات دهد، کنترل کرد.

## فهرست منابع

### ۱. این سینما

- الانتارات و التنبیحات، نشر البلاغه، قم، چاپ اول، ۱۳۷۵
  - اللغه (الطبیعیات)، مکتبه آیة... المرعشی، قم، ۱۴۰۴ق
  - اللغه (الهیات)، مکتبه آیة... المرعشی، قم، ۱۴۰۴ق
  - فن، سماع طبیعی، ترجمه محمد عقی فروغی، انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۱
۲. از سطر
- ضبیعیات، ترجمه و مقدمه مهدی فرشاد، انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۳
۳. راجی فاروقی، اسماعیل، لمیا فاروقی، لوئیس
- علوم عقلی و تجرزی در عالم اسلامی، ترجمه محمد فیروز کوهی و روح الله نصراللهی، چاپ و نشر بین الملل وابسته به انتشارات امیر کبیر، چاپ اول، تهران، تابستان ۱۳۸۴
۴. سعادت، رضا
- نزاع میان دین و فلسفه، ترجمه عبدالله فلاخرضا کاشی، انتشارات سروش، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۹
۵. صفایی سید احمد، علم
- کلام، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ششم، دی ۱۳۷۴
۶. طوسی، محمد بن حسین (شیخ الطائفة)
- تمهید الامون در علم کلام اسلامی، ترجمه و تعلیقات عبدالجسج مشکوه الدینی، اجسن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، تهران، ۱۳۵۸

۱۱. کاپلستون، فردریک  
- تاریخ فلسفه، جلد ۱: یونان و روم، قسمت دوم، ترجمه سید جلال الدین مجتبیوی، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۲
۱۲. گلشنی، مهدی  
- قرآن و علوم طبیعت، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۷
۱۳. لازمی، جان  
- درآمدی به فلسفه علم، ترجمه علی پایا، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۲
۱۴. محمدی، علی  
- شرح کشف المراد، انتشارات دارالفکر، قم، ۱۳۷۸
۱۵. مصباح یزدی، محمد تقی  
- آموزش فلسفه، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۵
- مجموعه آثار استاد شهید مطهری، جلد ۱، جلد ۱۴، انتشارات صدرا
۱۶. ملکشاهی، حسن  
- ترجمه و شرح اشارات و تنبیهات ابن سینا، سروش، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۳
۱۷. موسایی افضلی، علی  
- کلام (۱)، انتشارات دانشگاه یبانه تهر، چاپ ششم، آبان ۱۳۸۶
۱۸. نصر، سید حسین  
- اسمان و طبیعت، ترجمه عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۹
- نشر مفکران اسلامی درباره طبیعت، انتشارات خوارزمی، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۷

۲. الفارخوری، حنا و العز، خلیل  
- تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، ترجمه عبدالرحمن آیتی، انتشارات زمان، چاپ اول، ۱۳۵۵
۸. فعالی، محمد تقی  
- اندرآک حسی از دیدگاه ابن سینا، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، حوزه علمیه قم
۹. عثمان، عبدالکریم  
- روایتی از دیدگاه غزالی و دانشمندان اسلامی، ترجمه سید محمد باقر حجتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، دفتر اول و دوم، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۰
۱۰. غزالی، ابو حامد  
- مجموعه رسائل الامام الغزالی (المکتمه فی مخلوقات الله عز و جل، القسطلین المستقیم، فصل التفرقه قواعد العقاید فی التوحید، المعتقد من سفنزل، محک النظر، مشکاه الأوزار، رسالة اللذیة)، دارالفکر بیروت، چاپ اول، ۱۳۶۶
- تهافت افلاسیف، انتشارات شمس تبریزی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۳
- تهافت افلاسیف، ترجمه علی اصغر حنی، انتشارات جامی، تهران، ۱۳۸۲
- تهافت افلاسیف، ترجمه حسن فتحی، انتشارات طارقه، چاپ اول، ۱۳۸۳
- قواعد العقاید، ترجمه و توضیح علی اصغر حنی، انتشارات جامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۴
- مقاصد الفلاسفه (خودآموز حکمت مشاء)، ترجمه و شرح محمد خرازلی، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۳
- معارج القدر فی مدارج معرفه النفس، دارالافتی الجدیدة، بیروت، چاپ دوم، ۱۹۷۵م
- کتاب الاربعین، ترجمه بوهن الدین حمدی، انتشارات اطلاعات، تهران، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۷
- کیمیای سعادت، به کوشش حسن خدیو جسم، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۷

- دین و نظام طبیعت، ترجمه انشاء الله رحمتی نشر فی، تهران، چاپ دوم ۱۳۸۴

۱۹. تقیپ المطلب، سید محمد

- در آمدی بر جهان شنسی اسلامی، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران، چاپ

اول ۱۳۲۴

- یثربی، سید رحیمی، فلسفه معارف انتشارات بوستان کتاب، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۴

- یثربی، سید رحیمی، تاریخ تحلیلی انتقادی فلسفه اسلامی، انتشارات پژوهشگاه

فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۸.